

بِسْمِ
الرَّحْمَنِ
الرَّحِيمِ

حکمت
عبادات



آیت الله عبد الله جوادی آملی

جلسه دوم / طهارت و حکمت آن

فهرست مطالب

۱	محبوبیت طهارت نزد خدا
۲	محبوبیت طاهر نزد خدا
۳	حکمت طهارت در آئینه‌ی قرآن
۴	حکمت‌های وضو در گفتار پیامبر ^(ص)
۶	حکمت‌های وضو در بیان هشتمین امام
۷	پاکی از رجس و پلیدی
۹	نماز و حکمت آن (آرامش دل)
۱۰	پایبندی به نماز و انفاق
۱۱	نماز و باور قیامت
۱۲	نمازگزاران و پیمان و شهادت
۱۳	محافظت بر اوقات نماز
۱۴	تکریم الهی از نمازگزار
۱۵	حشر با فرشتگان
۷۱	خاکساری انسان در سجده
۱۸	حکمت سلام نمازگزار
۱۹	ادب نماز
۲۰	باطن مثالی نماز
۲۱	آتشهای برافروخته و کوثر نماز
۲۲	برکات نماز حضرت زکریا
۳۲	نماز و طهارت روح
۲۵	حکمت نماز شب
۲۶	توصیه انبیاء به نماز
۲۶	نماز ظهر و رحمت واسعة الهی
۲۸	دوستی با باطن نماز



طهارت و حکمت آن

محبوبیت طهارت نزد خدا

تنها چیزی که انسان را به خدا نزدیک می کند، پاکیزگی از طبیعت و دنیاست؛ زیرا انسان متعلق به دنیا، به خدا نخواهد رسید. و هرچه انسان را از خدا بازمی دارد، دنیای اوست؛ خواه مال، خواه مقام و خواه حب نفس باشد.

خداوند متعال پس از بیان عبادت‌های غسل، وضو و تمیم، می فرماید: راز این دستور آن است که شما طاهر شوید: «ولکن یرید لیطهرکم»^۱ تا انسان طاهر نشود به خدایی که طیب است نمی‌رسد. پس هر دستوری که خدای سبحان چه دستور عبادی و چه دستور مالی، که خود عبادی است معین می‌کند، رازش همان طهارت ضمیر است. و این طهارت، محبوب ذات اقدس حق است.

می‌فرماید: تنها مسجدی که براساس تقوا بنیانگذاری شده شایسته است در آن اقامه‌ی نماز و قیام داشته باشید که در این مسجد مردانی هستند که می‌خواهند طاهر شوند و طهارت را دوست دارند. طهارت نه به عنوان تکلیف، بلکه به عنوان امری محبوب، برای آنها مطرح است. آنان طهارت ضمیر را دوست دارند. می‌خواهند پاک باشند و خدا طاهرین را دوست دارد: «لمسجد أَسْسِ علی التقوی من أول یوم أحقّ أن تقوم فیه فیه رجال یحبّون أن یتطهّروا و الله یحبّ المطهّرين»^۲

اگر کوشیدند و به طهارت رسیدند محبوب خدا می‌شوند. و آنگاه چیزی از جهان در برابرشان به مخالفت بر نمی‌خیزد.

۱. سوره مائده، آیه ۶

۲. سوره توبه، آیه ۱۰۸

محبوبیت طاهر نزد خدا

انسان طاهر، محبوب خداست و اگر کسی محبوب خدا شد، آثار خدایی در او ظهور می کند؛ زیرا خدای سبحان، محبوب خود را رها نمی گذارد. او افراد طاهر را دوست دارد و مسجد جای طهارت است. اگر عبادت ظاهری را مقرر کرد، رازش را که محبوب شدن است، در کنار آن قرار دارد و فرمود: مسجد و معبد و مرکز عبادت برای پرورش افراد طاهر است. یعنی برای تربیت انسانی است که محبوب خدا باشد. قرآن کریم به عنوان فیضی عظیم از طرف خداوند نازل شده است. کسانی از این قرآن سهم دارند که طاهر باشند چنانکه خدای سبحان در کتابش می فرماید: **(انه لقرآن کریم * فی کتاب مکنون * لا یمسه الا المطهرون)**^۳ افراد مطهر و پاک از معارف قرآن بهره می گیرند.

مطهر واقعی، اهل بیت عصمت و طهارتند. قرآن کریم در آیه ی **(انما یرید الله لیذهب عنکم الرجس اهل البیت و یطهرکم تطهیرا)**^۴ اهل بیت را به عنوان **«مطهر»** معرفی فرموده است. و در آیات پیش یادآوری شد که به عمق قرآن کسی جز مطهر نمی رسد و اهل بیت



عصمت و طهارت هم مطهرند. و آنها هستند که به حقیقت قرآن راه دارند و شاگردان آنها هم به اندازه ی طهارتشان بهره می گیرند.

۳ . سوره واقعه، آیات ۷۷-۷۹

۴ . سوره احزاب، آیه ۳۳

حکمت طهارت در آئینه ی قرآن

از آنچه گذشت، معلوم شد که طهارت به عنوان راز و حکمت عبادت تعیین شده است؛ اما مراد نه طهارت ظاهری است. اگر خداوند درباره ی وضوگرفتن می فرمود: وضو بگیرید برای آنکه پاک شوید، انسان خیال می کرد که این آب ظاهر بدن را شستشو می کند و به انسان طهارت ظاهری می دهد، اما این معنا را درباره ی تیمم هم می فرماید، که تیمم بگیرید، صورت را خاک آلود کنید، تا پاک شوید. آب ممکن است انسان را به طهارت ظاهر کند؛ اما دستها را خاک آلود کردن و به صورت کشیدن، انسان را به «طهارت معنوی» می رساند.

در تشریح تیمم می فرماید: «فلم تجدوا ماء فتيمموا صعيدا طيباً فامسحوا بوجوهكم و ايديكم منه ما يريد الله ليجعل عليكم من حرج و لكن يريد ليظهركم وليتم نعمته عليكم لعلكم تشكرون»^۵ آنجا که آب نیافتید از خاک طیب و پاک استفاده کرده و تیمم کنید. چهره و دستها را از معبد روی زمین خاک آلود و مسح کنید. خدا نمی خواهد بر شما تنگ بگیرد، لیکن اراده ی پاکی شما را نموده و می خواهد نعمت خویش را بر شما تمام کند. باشد که سپاس گزارید.

آنگاه فرمود: خداوند نمی خواهد هیچ گونه دشواری بر شما تحمیل کند؛ بلکه می خواهد شما را پاک کند. معلوم می شود انسان از اینکه در تیمم خاک را به صورتش می مالد پاک می شود. از چه چیزی پاک می شود؟ بدیهی است این عمل غرور و تکبر را از انسان می گیرد و انسان را تطهیر می کند. اگر انسان را تطهیر کرد دیگر انسان در برابر خواسته ی خداوند سخنی ندارد؛ نمی گوید «من نظرم آن است» پس طهارتی که مطلوب پروردگار است پاک شدن از غرور و کبر است.

حکمت‌های وضو در گفتار پیامبر (ص)

گفته‌اند: اسرار عبادات را فرا بگیرد و بدان‌ها عمل کنید. نماز خواندن و روزه گرفتن و وضو ساختن و دیگر تکالیف از احکام الهی است. هر یک از احکام برای آن است که انسان به اسرار آنها پی ببرد و آزاد شود.

مرحوم صدوق (قدس سره) نقل فرموده که رسول خدا (ص) پس از نماز صبح بین الطلوعین در مسجد می‌نشستند و به سؤالات مردم پاسخ می‌دادند. روزی دو نفر نوبت گرفته در محضر حضرت سؤالاتی طرح کردند. حضرت به اولی فرمود: گرچه شما قبل از آن برادر آمدید، لکن نوبت خود را به ایشان بدهید. چون شما اهل کرم ایثار هستید و او کار لازمی دارد و مستعجل است. (ادب رعایت نوبت را حضرت در آنجا آموختند). بعد فرمودند: من بگویم برای چه کاری آمده‌اید یا شما می‌گویید؟

عرض کردند: یا رسول‌الله شما بفرمایید.

فرمود: یکی برای یاد گرفتن مسائل حج و دیگری برای سؤال و آموختن مسائل وضو آمده است. آنگاه سؤال‌ها را جواب دادند:

وضو گرفتن، یعنی شستن صورت و دست‌ها و مسح سر و پاها؛ شستن صورت، یعنی خدایا هر گناهی که با این صورت انجام دادم آن را شست‌وشو می‌کنم که با صورت پاک به جانب تو عبادت کنم و با پیشانی پاک سر بر خاک بگذارم.

شستن دست‌ها در وضو یعنی خدایا از گناه دست شستم و گناهی را که با دستم مرتکب شده‌ام، با شستن دست، آن را تطهیر می‌کنم.

مسح سر در وضو یعنی خدایا از هر خیال باطل و هوس خام که در سرپروراندم، سرم را

تطهیر می‌کنم و آن خیال‌های باطل را از سر به دور می‌افکنم.

مسح پا یعنی خدایا من از جای بد رفتن پا می‌کشم و این پا را از هر گناهی که با آن انجام داده‌ام تطهیر می‌کنم.

اگر کسی بخواهد نام مبارک حق تعالی را بر زبان آورد، باید دهان را تطهیر کند. مگر می‌شود با دهان ناشسته انسان نام خدا را ببرد؟ باید دهان را با آب مضمضه کند و بشوید. این گوشه‌ای از حکمت‌های وضو است.

پیامبر اکرم (ص) نیز می‌فرمایند: «يَحْشُرُ اللَّهُ أُمَّتِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ بَيْنَ الْأُمَّمِ غُرّاً مُحَجَّلِينَ مِنْ آثَارِ الْوُضُوءِ»^۶ امت من در قیامت میان سایر امت‌ها ممتاز، نورانی محشور می‌شوند و این بر اثر وضوی آنان است.

علت این که از نماز و سایر عبادت‌ها لذت نمی‌بریم، عدم آشنایی ما با این حکمت‌هاست، آنان که از عبادت لذت می‌برند، چیزی را با آن تبدیل نمی‌کنند.



۶. من لا یحضر، ج ۲، ص ۲۰۲، ح ۲۱۳۸
۷. بحار، ج ۸۰، ص ۲۳۷

حکمت‌های وضو در بیان هشتمین امام

مرحوم ابن بابویه از امام هشتم نقل فرموده که حضرت به یکی از شاگردانش محمدبن سنان فرمود: حکمت وضو گرفتن این است که انسان با اعضای پاک متوجه خداوند سبحان شو. آیا می‌شود انسان با چشم گناه بکند با همان چشم و صورت متوجه خدا شود؟

«انَّ عَلَّهَ الْوُضوءَ التِّى مِنْ اجْلِهَا صار على العبد غسل الوجه والذراعين و مسح الرأس والقدمين، فلقيامه بين یدی الله تعالى و استقباله اياه بجوارحه الظاهره و ملاقاته بها الكرام الكاتبين، فيغسل الوجه للسجود والخضوع و يغسل اليدين ليقلبها و يرغب بهما و يرهب و يتبتل و يمسح الرأس والقدمين لانها ظاهران مكشوفان يستقبل بهما كل حالته و ليس فيهما من الضخوع والتبتل ما فى الوجه والذراعين»^۸

اصولاً اسرار الهی دارای حقایقی است که «لا يَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ»^۹. اگر حقیقت قرآن را جز افراد با طهارت نمی‌یابند، حقیقت این عبادت را هم جز افراد پاک نمی‌یابند عبادت در کام انسان پاک لذت پیدا می‌کند و هیچ چیزی وی را به خود مشغول نخواهد کرد. در وضو، شستن صورت با صابون کافی نیست؛ شستن صورت با نیت لازم است. اگر کسی صورت را با این قصد بشوید که خدایا برای وضو گرفتن و امتثال امر تو و نماز خواندن صورتم را از هر گناه شستم و تطهیر کردم و برای این که با چهره‌ای پاک به سوی تو و در خاک تو بیفتم، او به اسرار عبادت پی‌برده است و با فرشتگان ملاقات کرده و ملاقات می‌کند. دستها را می‌شوید تا با دست پاک خدا را بخواند و به دعا برخیزد و سر و پا را مسح می‌کند، چون در نماز سر او پیدا است و پاهای او به طرف قبله است؛ باید با فکر پاک و با پای پاک و از سرتا پا پاک باشد تا به طرف خداوند سبحان بایستد و لذت ببرد. لذا حضرت فرمود: چون بنده می‌خواهد برابر حق تعالی بایستد و کرام‌الکاتبین را ملاقات کند باید اعضا و جوارح پاک داشته باشد.

۸. وسال الشیعه، ج ۱، ص ۳۹۵

۹. سوره واقعه، آیه ۷۹.

پاکی از رجس و پلیدی

حکمت وضو در طهارت از هر پلیدی و رجزی است که انسان را آلوده می سازد. وضو گیرنده، با وضوی خویش خود را از نجاست و کثافت مربوط به روح پاک می کند. قرآن کریم فرمود: «ان الشرك لظلم عظیم»^{۱۰} یا: «انما المشركون نجس»^{۱۱} یا: «و ما یؤمن اکثرهم بالله الا و هم مشرکون»^{۱۲} مراد از این نجاست در آیات مذکور، نجاست و قذارت باطنی است. اگر چه به صورت ظاهری پاک باشند؛ چون رؤیت و دیدن هر چه غیر خداست و اعتماد به هر چه غیر اوست و اقوال و افعال و حالات را به غیر او نسبت دادن، شرک باطنی و مخالف توحید خالص است. پس کسی که وضو میگیرد، می خواهد از این پلیدی و رجس درون پاک شود تا موحد مخلص برای مناجات با خدا گردد. این متطهر و پاکیزه، هیچ چیز او را نجس نمی کند: «المؤمن لا ینجسه شیء»^{۱۳}

در روایتی از امام باقر^(ع) آمده و از بعضی اخبار نیز استفاده می شود که دروغ گفتن یا ظلم کردن یا سرودن اشعار باطل و لهوی وضو را نقض می کند.^{۱۴} این نکته لطیف یکی از حکمت‌های باطنی وضو است.

اگر برای کسی ثابت شد که انسان موجودی ابدی است، و نیز ثابت شد که می تواند به مقام بالاتر نایل شود، همه کوشش و تلاش را در این راه صرف می کند که چگونه به آن مقام برسد.

هر کدام از دستورات دینی ما، از طهارت تا تولی و تبری، روحی دارند و بدنی. این راه را قرآن کریم از طهارت شروع کرده تا ما را به اسرار بقیه ی عبادات آشنا کند؛ زیرا مثلا هدف جهاد تنها

۱۰. سوره لقمان، آیه ۱۳

۱۱. سوره توبه، آیه ۲۸

۱۲. سوره یوسف، آیه ۱۰۶

۱۳. محاسن برقی، ج ۱، ص ۲۲۵، ح ۴۰۴

۱۴. کافی، ج ۴، ص ۸۹

حفظ آب و خاک نیست؛ بلکه آنچه مهم است رسیدن به حکمتها و باطن عبادات است.

در آیه سوره مائده فرمود: تیمم بگیرید، دست خاک آلود را به صورت بکشید تا پاک شوید. معلوم می‌شود که هر عبادتی را که خداوند متعال دستور داده، بر این مبنا بوده است که انسان تنها بنده او شود و از بندگی دیگران برهد.

هیچ دشمنی بدتر از دشمن درونی و هیچ آلودگی بدتر از پلیدی نفس نیست.^{۱۵} لذا تمام این عبادتها برای آن است که انسان از راههای مختلف، از این غرور و خودخواهی رهایی یابد. همه دستورات برای تطهیر است. انسان نماز می‌خواند برای آنکه طاهر شود روزه می‌گیرد برای آنکه طاهر شود، جنگ می‌کند تا زمینه را برای طاهر شدن آماده کند.



۱۵. قال رسول الله (ص): «اعدی عدوک نفسک التی بین جنیک» (بحار، ج ۷۰، ص ۶۴)

نماز و حکمت آن

آرامش دل

وقتی قرآن کریم سخن از نماز به میان می آورد، می فرماید: «واقم الصلوه لذكری»^{۱۶} نماز بخوانید تا یاد مرا زنده کنید و من در یاد شما به وسیله نماز ظهور کنم. اگر یاد خدا به وسیله نماز ظهور کرد، آن قلب، مطمئن است.

از طرفی یاد خدا دلها را مطمئن می کند. «الا بذكر الله تطمئن القلوب»^{۱۷}

پس دل انسان نماز گزار، مطمئن است. هرگز از غیر خدا نمی ترسد. هیچ دشمنی چه از درون و چه از بیرون نمی تواند موجب هراس او شود؛ زیرا اهل نماز به یاد حق هستند و یاد حق عامل طمأنینه و آرامش است.

در سوره معارج درباره حکمت‌های نماز می فرماید: طبع انسان در برابر شداید بی تابی می کند و اگر خیری به او رسید، سعی می کند انحصار طلب باشد و به دیگران ندهد. فطرت انسان بر توحید، و طبیعت او به رجس و آلودگی متمایل است. فطرت را انبیاء احیا می کنند و طبیعت جز آلودگی چیزی نیست.

قرآن می فرماید: «ان الانسان خلق هلوماً * اذا مسه الشر جزوعاً * و اذا مسه الخير منوعاً * الا

المصلین»^{۱۸} اگر رنج و شری به انسان برسد، جزع و بی تابی کرده و صبر را از دست می دهد. و اگر خیری به او برسد سعی می کند به دیگران نرسد و نرساند و مناع خیر باشد. مگر نماز گزاران.

نماز گزاران، طبیعت را سرکوب و فطرت را احیاء کرده اند. خاصیت نماز احیای فطرت است. نماز گزار کسی است که، سرکشی طبیعت را رام کند. او با سرمایه آرامشی که از نماز به دست آورده در فراز و نشیب زندگی سست نمی شود و در شداید و سختیها جزع نمی کند، اگر خیری به او برسد منع نمی کند و از دیگران دریغ نمی دارد.

۱۶. سوره طه، آیه ۱۴.

۱۷. سوره رعد، آیه ۲۸

۱۸. سوره معارج، آیات ۲۳-۱۹.

پایبندی به نماز و انفاق

خداوند نمازگزاران را معرفی و اسرار و خاصیت نماز را بیان کرده و می‌فرماید:

«الذین هم علی صلاتهم دائمون» آنان همواره نمازشان را می‌خوانند و هرگز نماز را ترک نمی‌کنند. و به برکت نماز به انجام کارهای خیر کشیده می‌شوند.

«والذین فی اموالهم حقّ حقّ معلوم * للسائل والمحروم»^{۱۹} نمازگزار کسی است که همه آنچه در اختیار اوست، به خود اختصاص نمی‌دهد؛ بلکه سهمی را هم برای فقرا منظور می‌کند. سخن از مال حلال است نه مال حرام. اگر کسی از مال حرام بخشش کرد، طرفی نمی‌بندد. کسی که از راه حلال به دست آورد، مالک مال می‌شود و انفاق، از مال خود اوست. فرمود: نمازگزار کسی است که مال او حساب شده است و دیگران در مال او سهمی دارند. دیگران دو گروهند: گروهی از فقرا که روی سوال دارند. و عده‌ای که عقیف‌اند و روی سوال ندارند. نمازگزار کسی است که دیگران را در اموال خود شریک قرار می‌دهد.

امام رضا^(ع) هنگام صرف غذا، ظرف خالی طلب می‌کردند و قبل از خوردن، بهترین غذاهای سفره را در آن ظرف ریخته و برای مستمندان می‌فرستادند.^{۲۰} آنگاه این آیات را می‌خواندند: «فلا اقتحم العقبه * و ما ادريک ما للعقبه»^{۲۱} مردم این عقبه‌ها و گردنه‌های عاقبت‌نگری را بالا نمی‌روند. به واقع نمی‌دانند این گردنه‌ها چیست. در سرزمین‌های هموار، مساعد و ملایم راه می‌روند. در دامنه کوه که زمین هموار است، راه رفتن مشکل نیست. بالای کوه رفتن دید انسان را وسیع می‌کند.

۱۹. سوره معارج، آیات ۲۳-۲۵

۲۰. تفسیر برهان، ج ۴، ص ۴۶۴؛ کافی، ج ۴، ص ۵۲

۲۱. سوره بلد، آیات ۱۱-۱۲

لباسهای کهنه و مندرس را به فقرا دادن، صراط مستقیم نیست، «اقتحام عقبه» یا گذشتن و عبور از گردنه نیست. این آیه ما را تشویق می‌کند که چرا از کوه مشکلات بالا نمی‌روید؟ چرا همیشه در دامنه کوه هستید؟ چرا همتهای بلند ندارید؟ چرا سعی نمی‌کنید، که از این گردنه‌ها و کتلهای بگذرید؟ غذاهای مانده و لباسهای مندرس را به این و آن دادن، کار سهلی است و این را خدای سبحان دوست ندارد: «لن تنالوا البرّ حتی تنفقوا مما تحبّون»^{۲۲}

نماز و باور قیامت

«والذین یصدّقون بیوم الدین»^{۲۳} نمازگزاران کسانی هستند که به قیامت باور دارند؛ چون یاد معاد است که انسان را طاهر می‌کند و همه مشکلات در اثر فراموشی قیامت است. وقتی قرآن علت تبهکاری تبهکاران را می‌شمارد می‌فرماید: «لهمّ عذابٌ شدیدٌ بما نسوا یوم الحساب»^{۲۴} چون روز حساب را فراموش کردند، مستحق عذاب هستند. نمازگزار قیامت را فراموش نمی‌کند، آن را باور دارد: «والذین همّ من عذاب ربهم مشفقون»^{۲۵} آنان از عذاب خدای سبحان هراسناکند. نماز آن است که انسان را از قیامت هراسناک و به یاد معاد متذکر کند. «انّ عذاب ربهم غیر مأمون»^{۲۶}. چه کسی از عذاب الهی در امان است؟ مگر انسان برگه ایمنی دریافت کرده است؟

پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: «واعلموا انّ الله تعالی اقسّم بعزّته ان لا یعذب المصلّین والساجدین و لا یروّعهم بالنار یوم یقوم الناس لرب العالمین»^{۲۷}: بدانید که خدای سبحان

۲۲ . سوره آل عمران، آیه ۹۲
۲۳ . سوره معارج، آیه ۲۶
۲۴ . سوره ص، آیه ۲۶
۲۵ . سوره معارج، آیه ۲۷
۲۶ . سوره معارج، آیه ۲۸
۲۷ . اربعین شیخ بهایی، ح ۹

به عزت خویش قسم یاد کرده که نمازگزاران و سجده‌کنندگان را به آتش نسوزاند و آنان را نترساند، روزی که همه گرفتار ترسند نمازگزاران و اهل سجده نمی‌ترسند؛ زیرا صدای آتش جهنم را نمی‌شنوند: «لا سمعون حسیسها».^{۲۸}

از امام صادق^(ع) نقل شده که فرمود: «اذا صلیت صلاه فریضه فصلها لوقتها صلاه مودع یخاف ان لا یعود الیها ابداً...»^{۲۹} وقتی نماز می‌خوانید، مانند کسی نماز بخوانید که می‌خواهد نماز را وداع کند؛ ممکن است اجل مهلت ندهد به نماز بعدی بررسی!



۲۸ . سوره انبیاء، آیه ۱۰۲

۲۹ . الامالی والمجالس، ص ۲۱۲، مجلس ۴۴، ح ۱۰

نماز گزاران و پیمان و شهادت

قرآن در ادامه خواص نماز و صفات نماز گزاران می فرماید: «والذین هم لاماناتهم وعهدهم راعون»^{۳۰} آنانکه امانتهای خود را چه مالی و چه غیرمالی، رعایت می کنند و به تعهداتی که دارند، چه بین خود و خدا و چه بین خود و دیگران، پایبندند. تا آنجا که می فرماید: با من عهد ببندید و مرا طرف معامله خود قرار دهید.

«والذین هم بشهاداتهم قائمون»^{۳۱} کسانی که در شهادتهای خود ایستادگی می کنند. اگر به وحدانیت حق و رسالت شهادت می دهند، بر آن می ایستند و اگر در دیگر مسائل حقوقی به حق، شهادت می دهند، بر آن پایداری می ورزند.

محافظت بر اوقات نماز

«والذین هم علی صلاتهم یحافظون»^{۳۲} مؤمنان کسانی هستند که بر نماز خویش مواظبت دارند، همه اوقات نماز را حفظ می کنند.

امام ششم فرمود: «انَّ العبد اذا صَلَّى الصلاه فی وقتها و حافظ علیها ارتفعت بیضاء نقیه تقول حَفِظْتَنی حفظک الله و اذا لم یصلِّها لوقتها ولم یحافظ علیها ارتفعت سوداء مظلّمه تقول ضیعتنی ضیعک الله»^{۳۳} هنگامی که انسان نماز را در اول وقت خواند، نوری سفید و پاکیزه به آسمان می رود و می گوید: خدا تو را حفظ کند که مرا حفظ کردی و برعکس اگر نسبت به وقت نماز مراقبت نکند، سیاهی تاریک بالا رفته و می گوید: مرا ضایع کردی خدا

۳۰. سوره معارج، آیه ۳۲

۳۱. سوره معارج، آیه ۳۳

۳۲. سوره معارج، آیه ۳۴

۳۳. من لا یحضر، ج ۱، ص ۲۰۹، ح ۶۲۷

تو را ضایع کند.

نماز اول وقت به صورت امری تابان جلوه می‌کند؛ معلوم می‌شود نماز حقیقتی دارد که زنده است، روحی دارد که برای همیشه هست؛ دعا می‌کند و دعای نماز نیز همیشه مستجاب است و اگر کسی نماز نخواند یا در وقت نخواند به صورت چهره تاریک درمی‌آید و می‌گوید تو مرا ضایع کردی خدا تو را ضایع کند!

تکریم الهی از نماز گزار

در ادامه آیات می‌فرماید: «اولئک فی جنات مکرمون»^{۳۴} اینان در بهشت از کرامت الهی برخوردارند. نه تنها برخوردارای از نعمتهای بهشت، مطرح است مانند جنات، نهر، حریر، استبرق و خوردن و نوشیدن؛ بلکه سخن از کرامت و تکریم نماز گزار در بهشت است.

«کرامت» تعبیر لطیف عربی است که ظاهراً معادلی در فارسی ندارد. در فارسی کلمه‌ای نیست، که بتواند ترجمان «کرامت» باشد. بزرگداشت و تکریم و مانند اینها غیر از کرامت است. کرامت آن بزرگواری و بزرگ‌منشی است که انسان کریم از آن برخوردار است. خداوند کرامت را صفت فرشتگان می‌داند و می‌فرماید: «بل عباداً مکرمون»^{۳۵} فرشتگان، بزرگوار و مورد تکریم هستند. در مورد نماز گزاران نیز سخن از کرامت است.

خدا فرشته را به اوصافی معرفی می‌کند؛ سپس می‌فرماید: آن اوصاف را شما هم تحصیل کنید: «لا یسبقونه بالقول و هم بامرہ یعملون»^{۳۶} فرشتگان هرگز جلو نمی‌افتند و تابع امر خدا هستند سعی می‌کنند برابر دستور خدا کار انجام دهند. آنگاه در سوره حجرات می‌فرماید:

۳۴ . سوره معارج، آیه ۳۵.

۳۵ . سوره انبیاء، آیه ۲۶

۳۶ . سوره انبیاء، آیه ۲۷

«یا ایها الذین امنوا لا تُقَدِّمُوا بَیْنَ یَدِی اللّهِ وَ رَسُوْلِهِ»^{۳۷} ای مؤمنان! بر خدا و رسول او پیشی نگیرید، تابع دستور حق باشید یعنی همانند فرشتگان که تابعند، شما هم تابع باشید؛ تا خوی فرشتگی در شما ایجاد شود و خود فرشته شوید. لذت با فرشته بودن، کرامت است. نمازگزاران در بهشت مکرّمند؛ برای آنکه نمازگزار خوی فرشتگی پیدا کرده، هرچه فرشتگان دارند او دارد.

تو فرشته شوی از جهد کنی از پی آنک
برگ توت است به تدریج کندش اطلس^{۳۸}

حشر با فرشتگان

امام باقر^(ع) می فرماید: «ما من عبد من شیعتنا یقوم الی الصلاه الا اکتنفته بعدد من خالفه ملائکه یصلون خلفه و یدعون الله عزوجل له حتی یفرغ من صلاته»^{۳۹} هیچ بنده‌ای از شیعیان ما به نماز نمی ایستد جز آنکه به تعداد مخالفان او فرشتگان وی را دربرمی گیرند و پشت سر او نماز می گزارند و برای او دعا می کنند تا از نماز فراغت یابد.

انسان می تواند امام فرشتگان باشد. قرآن هم تشویق می کند که شما آن قدر می توانید رشد کنید که بگویید: «واجعلنا للمتّقین اماماً»^{۴۰} خدایا، ما را به جایی برسان که اهل تقوی به ما اقتدا کنند. آنان تابع ما باشند و ما آنان را رهبری کنیم.

از امام پنجم^(س) رسیده که نمازگزار سه خصلت دارد:

خصلت اول: وقتی نمازگزار به نماز ایستاد، فرشتگان از آنجا تا دورنمای آسمان را دربرمی گیرند و او را در میان صفوف فرشتگان است. این چه عبادتی است که همه فرشتگان مأمور حفظ انسانند تا وسوسه‌ها، شیطان، وهم و خیال از هیچ راهی نتواند نمازگزار را به خود متوجه کند؟ اگر نمازگزار با حضور قلب، متوجه نماز شود، در حصار امن فرشتگان قرار می گیرد.

۳۷ . سوره حجرات، آیه ۱

۳۸ . دیوان سنایی

۳۹ . کافی، ج ۸، ص ۳۶۵؛ من لا یحضر، ج ۱، ص ۲۰۹

۴۰ . سوره فرقان، آیه ۷۴

گاهی نمازی خوانده می‌شود، ولی وقتی تمام شد، صورتش سیاه است و به نمازگزار می‌گوید: «تو مرا ضایع کردی خدا تو را ضایع کند». و گاهی صورتش سفید و روشن است و می‌گوید: «تو مرا حفظ کردی خدا تو را حفظ کند»^{۴۱}.

شیطان در کمین نماز، روزه و کارهای خیر است، در کنار خیر می‌نشیند و وسوسه می‌کند. خودش گفته: «**لاقعدنّ لهم صراطک المستقیم**»^{۴۲} من در کمین راه راست تو می‌نشینم، کمین می‌کنم و نمیگذارم عبور کنند. مرکز فساد و گناه، کمینگاه شیطان است. در نماز وسوسه می‌کند، یک وقت انسان متوجه می‌شود که نمازش تمام شده و می‌گوید «**السلام علیکم و رحمہ اللہ و برکاتہ**»!

خصلت دوم: خیرات از چهره‌های آسمان پیوسته بر سر نمازگزاران فرود می‌آید تا نمازش را به پایان برساند.

خیر چیست؟ ما چه چیز را خیر می‌دانیم؟ بعضی عمرها با برکت است. دوست خوب، استاد خوب، شاگرد خوب، فرزند صالح و داشتن اخلاص، خیرات و وسیله رساندن انسان به خیر نهایی است. تمام آنچه ذکر شد در سایه نماز تحصیل می‌شود و نمازگزار به مدد این عبادت، مستحق نزول خیرات و خوبیها می‌گردد.

خصلت سوم: خدای سبحان فرشته‌ای را وکیل کرده تا به نمازگزار بگوید: تو اگر بدانی با چه کسی مناجات می‌کنی، دست از نماز برنمی‌داری.^{۴۳}

لذا از معصوم^(ع) رسیده است که: «**واذقنی حلاوه ذکرک**»^{۴۴} شیرینی یادت را به من بچشان ما چون نچشیدیم، نماز برایمان عادی است، اینکه ما نماز می‌خوانیم و چیزی از نورانیت احساس نمی‌کنیم، برای آن است که نماز را با آداب و اسرار آن نخوانده‌ایم.

۴۱. من لا یحضر، ج ۱، ص ۲۰۹، ح ۶۲۷

۴۲. سوره اعراف، آیه ۱۶

۴۳. قال الباقر(ع): «للمصلی ثلاث خصال: اذا هو قام فی صلاته حفّت به الملائکة من قدمیه الی اعنان السماء و یتناثر البرّ من اعنان السماء الی مفرق رأسه، و ملک موکل به ینادی: لو یعلم المصلی من یناجی ما انتقل» (من لا یحضر، ج ۱، ص ۲۱۰، ح ۶۳۶).

۴۴. مفاتیح الجنان، مناجات خسمه عشر، بحار، ج ۹۴، ص ۱۸۲

خاکساری انسان در سجده

مردی به رسول خدا^(ص) عرض کرد: دعا کنید که خدا مرا به بهشت برد. حضرت فرمود: «اعنی بكثره السجود»^{۴۵} من دعا می‌کنم. لیکن تو مرا با سجده‌های زیاد و طولانی کمک کن تا دعای من مستجاب شود.

سجده، انسان را خاکسار و متواضع می‌کند، انسان خاکسار هرگز نمی‌گوید «من».

کار خیری که از دست دیگران صادر شده و ما توفیق انجام آن را نداشتیم در صورتی که به آن کار راضی و خوشحال بودیم، در ثواب آن سهیم هستیم و دیگر حسرت نمی‌بریم.^{۴۶} اگر بسیاری از افراد گرفتار این امرند که چرا من نکردم؟ برای آن است که او عمل صالح را نمی‌خواهد، خود را می‌خواهد. ممکن است کار خیر به دست دیگران انجام شود و انسان وارسته، در ثواب شریک باشد؛ چون واقعاً به آن کار راضی است. هرگاه توانستیم نفس خویش را، که هرگز دست از ما برنمی‌دارد، سرکوب و رام کنیم آنگاه راحت هستیم؛ و این کار، به وسیله عبادت میسر است.^{۴۷}

امام صادق^(ع) فرمودند: «علیک بطول السجود فان ذلک من سنن الاوابین»^{۴۸} هنگام سجده زود سر از خاک برندارید. نمازهای عمومی را به طور معمول بخوانید؛ اما در حالات خاصه خود، زود سر از سجده برندارید. چون این دشمن درونی، انسان را آرام نمی‌گذارد؛ تا آخرین لحظه می‌کوشد انسان را فریب دهد.

لذا بهترین فرصت در حال نماز، حال سجده است که امام صادق^(ع) فرمودند: «ان اقرب ما یکون العبد من الرب عزوجل وهو ساجد باک» نزدیکترین حالت بنده به خدا وقتی است که

۴۵ . تهذیب، ج ۲، ص ۲۳۶

۴۶ . قال علی(ع): «الراضی بفعل قوم کالداخل معهم فی و علی کل داخل فی باطل ائمان: اثم العمل به و اثم الرضا به» (نهج البلاغه، حکمت ۱۵۴)

۴۷ . قال علی(ع): «انما یجمع الناس الرضا والسخط، فمن رضی امرأ فقد دخل فیهِ و من سخطه فقد خرج منه» (وسائل الشیعه، ج ۱۶، ص ۱۴۰)

۴۸ . بحار، ج ۸۵، ص ۱۶۲

در حال سجده باشد و گریه کند. انسان هرچه به خاک نزدیک شود به خدا نزدیکتر می‌شود. رسول خدا(ص) در ضمن خطبه شعبانیه فرمود: «ظهورکم ثقیله من اوزارکم فحففوا عنها بطول سجودکم»^{۴۹} پشت‌های شما از بار گناه سنگین شده است. آنها را با سجده‌های طولانی سبک کنید. ملاحظه می‌کنید که اثر سجده تا چه حد است؟ گاهی برای انسان مقدر نیست در نمازهای واجب، سجده‌های طولانی داشته باشد؛ اما اصل سجده کردن چه در نماز، چه غیر نماز امری مطلوب و اثربخش است. هرگاه انسان از شرّ «خود» رهایی یافت دیگر چیزی او را نمی‌رنجانند.



حکمت سلام نماز گزار

یکی از عرفای بزرگ اسلام سخنی دارد که در کتاب «سر الصلاة» امام خمینی^(ره) هم آمده است. وی می‌گوید: کسی که در نماز حواسش پیش غیر خدا و متوجه زندگی است، چگونه به خود اجازه می‌دهد در پایان نماز بگوید: «السلام علیکم و رحمت‌الله»؟ چون پیغمبر^(ص) فرمود: «المصلی یناجی ربّه»^{۵۰} نماز گزار، مشغول مناجات با خداست. پس با مردم و در جمع دیگران نیست. وقتی نمازش تمام شد و مناجاتش با خدای سبحان به پایان رسید، از حضور خدا برمی‌گردد و در بین مردم قرار می‌گیرد و چون وارد جمع دیگران می‌شود می‌گوید: «السلام علیکم...». افرادی که در مجمع و مجلس در کنار یکدیگر نشسته‌اند، هیچ‌کدام به یکدیگر سلام نمی‌کنند؛ زیرا در حضور یکدیگرند. کسی که در آن جمع نیست و از جای دیگر وارد می‌شود سلام می‌کند.

سلام آخر نماز نه دعاست و نه ذکر، بلکه تحیت است. لذا اگر در وسط نماز کسی عمداً بگوید: «السلام علیکم»، نمازش باطل است. و اگر اشتبهاً گفت، دو سجده سهو دارد. سلام آخر نماز، به عنوان تحیت و درود است؛ چون نماز گزار با خدایش مناجات می‌کند و در بین مردم نیست، وقتی که نمازش تمام شد و از مناجات با خدا برگشت و زمینی شد و به جمع مردم پیوست، به مردم سلام می‌کند. فقها نیز گفته‌اند، در نماز جماعت هنگام گفتن «السلام علیکم» امام به کدام قسمت نگاه کند، مأمومین به کدام قسمت رو کنند.

آن بزرگ عارف می‌گوید: من در تعجبم کسی که حواسش پیش زندگی است و اصلاً با خدا مناجات نکرده و از مردم جدا نشده، چگونه به خود اجازه می‌دهد که بگوید: «السلام علیکم و...»^{۵۱}

۵۰. بحار، ج ۶۸، ۲۱۵
۵۱. برای استفاده بیشتر بنگرید به سر الصلاة امام خمینی (قدس سره)، ص ۱۰۸-۱۱۵.

ادب نماز

از نمونه‌های ادب در نماز، که طی حدیث شریفی از رسول خدا^(ص) بیان شده این است: «من اتقی علی ثوبه فی صلاته فلیس لله اکتسی»^{۵۲} کسی که دو لباس تمیز و مندرس دارد و در نماز از لباسهای مندرس و کهنه خود استفاده می‌کند او برای خدا لباس نپوشیده، برای خلق خدا لباس می‌پوشد. یا اگر لباس تمیز پوشیده ولی برای آنکه لباسش غبار نگیرد و آلوده نشود نماز را به تأخیر می‌اندازد یا (معاذالله) نمی‌خواند، معلوم می‌شود او برای خدا لباس نپوشیده است. خداوند می‌فرماید: «یا بنی ادم خذوا زینتکم عند کل مسجد»^{۵۳}: ای فرزندان آدم! زیورهای خویش را به هنگام عبادت بگیرید.

باطن مثالی نماز

هر عبادتی باطنی مثالی دارد و باطنی عقلی؛ باطن مثالی را انسان در برزخ مشاهده می‌کند، برزخ همان عالم قبر است، از معصوم^(ع) سوال می‌کنند که برزخ از کجا شروع می‌شود؟ می‌فرماید: «منذ القبر»^{۵۴} لحظه‌ای که انسان وارد قبر می‌شود وارد برزخ شده است. آنچه به عالم مثال برمی‌گردد انسان در برزخ آن را می‌بیند اما باطن عقلی عبادات را در مافوق برزخ می‌بیند.

ابوبصیر که از شاگردان معروف امام باقر و امام صادق^(ع) است نقل می‌کند:

«إذا مات العبد المؤمن دخل معه فی قبره سته صور...»^{۵۵}: وقتی بنده مؤمن از دنیا رفت، شش صورت نورانی به همراه او وارد برزخ و قبر می‌شوند، این شش صورت او را از آسیبها

۵۲. من لا یحضر، ج ۱، ص ۲۰۶، ح ۶۱۹

۵۳. سوره اعراف، آیه ۱۳

۵۴. تفسیر نورالثقلین، ج ۲، ص ۵۵۳

۵۵. بحار، ج ۶، ص ۲۳۴

از شش جهت محافظت می‌کنند، آن کس که طرف راست این بنده مؤمن قرار گرفته در معرفی خود می‌گوید: من نمازم.

باطن نماز یعنی همین صورت نورانی که در قبر، طرف راست نمازگزار قرار می‌گیرد و می‌توان او را در برزخ دید و با او سخن گفت و از او شفاعت طلبید، نماز نمونه است، همه عبادات بر همین منوال است.

آشهای برافروخته و کوثر نماز

رسول خدا درباره نماز فرموده‌اند: «ما من صلاحه یحضر وقتها الا نادى ملک بین یدی الناس ایها الناس قوموا الی نیرانکم الّتی اوقدتموها علی ظهورکم فاطفئوها بصلاتکم»^{۵۶} وقت هر نمازی که فرا می‌رسد فرشته‌ای به مردم می‌گوید: ای مردم، برخیزید آن آشهایی که پشت سر خود روشن کرده‌اید با نماز خاموش کنید.

ناروایی را که مرتکب شدیم، سخن بدی را که گفتیم، بیراهه‌ای را که رفتیم، از ما جدا و دور نیست، همه اینها آشهایی است که با دست خود روشن کرده‌ایم و بر دوش حمل می‌کنیم و نمی‌دانیم که خروارها آتش بر دوش ماست!

حتی خود انسان آتش و هیزم افروخته می‌شود: «واما القاسطون فکانوا لجهنم حطباً»^{۵۷} آنها که اهل قسط و ظلم هستند، خود هیزم جهنم‌اند و به صورت آتش و هیزم افروخته‌ای مجسم می‌شوند.

اگر خداوند با اهل قسط و عدل دوست است، با اهل قسط و ظلم نیز دشمن است. بسیاری از کارهای ما به صورت آتشی بر دوش ما انباشته شده است؛ اما احساس نمی‌کنیم. معلوم می‌شود اگر کسی نماز خواند نه تنها بعد از نماز گرفتار گناه نمی‌شود؛ بلکه آشهایی را هم

۵۶. من لا یحضر، ج ۱، ص ۲۰۸، ح ۶۲۴

۵۷. سوره جن، آیه ۱۵

که قبلاً روشن کرده است خاموش می‌کند.

نماز، نهر روان و چشمه کوثری است که هم آتشیهای گذشته را خاموش می‌کند و هم نمی‌گذارد انسان بعدها گرفتار آتش شود. هم جلو بدیها را یم‌گیرد و هم بدیهای گذشته را از بین می‌برد. این خاصیت نماز است که در قرآن کریم بدان اشاره شده: «ان الصلوه تنهی عن الفحشاء والمنکر والذکر الله ا کبر والله یعلم ما تصنعون»^{۵۸}.

برکات نماز حضرت زکریا

از امام صادق^(ع) نقل شده که اگر خداوند سبحان بخواهد برکتی به انسان مرحمت کند، آن را در بهترین حال عطا می‌فرماید. و بهترین حالت در محراب بودن و در جنگ با دشمن درونی بودن است. به عنوان مثال، خدای سبحان اگر به زکریا، یحیی را مرحمت کرده در حال عبادت این بشارت به او داده شده است. آن حضرت فرمود:

«ان طاعه الله عزوجل خدمته فی الارض و لیس شیء من خدمته یعدل الصلاه فمن تم نادت الملائکه زکریا علیه السلام و هو قائم یصلی فی المحراب»^{۵۹} طاعت خداوند آن است که در زمین انسان خداوند را خدمت کند و چیزی از خدمت او به اندازه نماز نمی‌ارزد. به همین جهت در حال عبادت به حضرت زکریا بشارت داده شده است. یحیی^(ع) در راه دین شهید شد و ما او را به عنوان یحیای زاهد و شهید می‌شناسیم و اگر کسی این دو توفیق را داشت که در راه دین، با سلاح، فداکاری کند، در کنار این سلاح‌گیری، معرفت، که سلاح عقل است، لازم است.

۵۸ . سوره عنکبوت، آیه ۴۵

۵۹ . من لا یحضر، ج ۱، ص ۲۰۸، ح ۶۲۳

نماز و طهارت روح

از امام صادق (ع) نقل شده است که فرمود:

«أول ما يحاسب به العبد عن الصلاة فإذا قبلت قبل منه سائر عمله و إذا رُدَّت عليه رُدَّ عليه سائر عمله، فإذا صلَّيت قابل بقلبك الى الله عزَّوجلَّ فإنه ليس من عبد مؤمن يُقبل بقلبه على الله عزَّوجلَّ في صلاته و دعائه الا قبل الله عليه بقلوب المؤمنين اليه و آيده مع مودَّتهم اياه بالجنَّه»^{۶۰}

اول چیزی که انسان به آن محاسبه می‌شود نماز است. اگر نماز قبول شد سایر اعمال هم از نماز گزاران قبول می‌شود و اگر رد شد اعمال دیگر نیز مردود است. پس هرگاه نماز می‌خوانی، با قلب خود متوجه خدای سبحان باش تا دعا و نماز تو قبول شود و خدا با قلوب مؤمنان به تو رو کند.

قرآن کریم نماز و نماز گزار را به خوبی معرفی فرموده است؛ نماز گزار کسی است که مسائل مالی برعهده او نیست، طمع و آز در درون او نیست. وقتی که طبیعت دنیاپسرت انسان را خالق انسان تبیین می‌کند که: «انَّ الانسان خلق هلوياً * اذا مسَّه الشر جذوعاً * و اذا مسَّه الخير منوعاً * الا المصلِّين»^{۶۱}. ابتدا مفسد طبیعت انسان را تشریح می‌کند؛ آنگاه می‌فرماید: نماز گزاران از این رذایل محفوظ‌اند. معلوم می‌شود نماز انسان را از این رذایل محفوظ و تطهیر می‌کند. بنابراین فضیلت و کمال انسان از نماز خواهد بود؛ زیرا نماز بسیاری از فضایل را برای انسان تحصیل و بسیاری از رذایل را برطرف می‌کند.

امیرالمؤمنین (ع) در نهج البلاغه از رسول الله نقل فرموده که: من در عجبم از کسی که چشمه‌ای در منزل اوست و شبانه‌روز پنج بار در آن چشمه شستشو می‌کند، با این حال، باز آلوده است. چون نماز مثل چشمه زلال است که انسان نماز گزار در وقت‌های پنجگانه در آن شستشو می‌کند.^{۶۲}

۶۰ . کافی، ج ۳، ص ۲۶۸

۶۱ . سوره معارج، آیات ۱۹-۲۳

۶۲ . تعاهدوا امر الصلاة و حافظوا علیها و استکثروا منها... و شَبَّهَهَا رسول الله (ص) بِالْحَمَّةِ (الجمَّه) تكون علی باب الرجل، فهو یغتسل منها فی السوم والللیه خمس مرات فما عسی ان یقی علیه من الدرن؟ (نهج البلاغه، خطبه ۱۹۹)

نماز کوثری است که انسان را تطهیر می‌کند. قهراً اگر ما از نماز این طهارت را در خود احساس نکردیم، باید بپذیریم آن نماز واقعی را نخوانده‌ایم. ممکن است نماز صحیح باشد، لکن مقبول نیست؛ زیرا نمازی مقبول است که روح انسان را تطهیر کند. آنگاه گذشته از اقبال الهی و بهشت خداوند متعال، دل‌های دیگران را متوجه شما می‌کند و شما محبوب دیگران می‌شوید.

چه ذخیره‌ای بالاتر از اینکه دل‌های مؤمنان به طرف انسان متوجه باشد؟ زیرا در مشکلات، مؤمنین یار انسانند. دعای مؤمنان نسبت به انسان موثر است. اگر انسان بخواهد مؤمنان مشکل او را حل کنند، برای او دعا و طلب آمرزش کنند، باید قلب خودش را مخصوصاً در حال نماز متوجه خداوند سازد.

وقتی انسان در نماز قلب را مهار می‌کند که چشم و گوش را در بیرون مهار کرده باشد. اگر در بیرون نماز، چشم و گوشش را حفظ کرد، در نماز دشمن درونی هجوم نمی‌آورد. مهم آن است که انسان در بیرون نماز خود را حفظ کند.



حکمت نماز شب

از رسول خدا خطبه‌ای به همین مضمون رسیده است که آن حضرت پس از سفارشی اکید به نماز و اثر مداومت آن در پاک شدن از گناهان، فرمود: «ای مردم هیچ بنده‌ای نیست جز آنکه ریسمانی چند بر اعضای او گره خورده، پس چون ثلثی از شب گذشت فرشته‌ای نزد وی می‌آید و می‌گوید: برخیز خدا را یاد کن که صبح نزدیک شده است. اگر حرکت کرده برخیزد و خدا را یاد کند یک گره از گره‌های او باز می‌شود و اگر به چا خیزد و وضو بگیرد و به نماز بایستد همه گره‌ها گشوده می‌شود تا اینکه با چشمی شاد و روشن وارد صبح شود.»^{۶۳}

معلوم می‌شود گره‌های روز را نماز شب باز می‌کند. امام حسن عسکری^(ع) می‌فرماید: «ان الوصول الی الله سفر لا یدرک الا بامتطاء اللیل، من لم یحسن ان یمنع لم یحسن ان یعطی»^{۶۴} سیر الی الله و وصول به خدای سبحان سفری است که مرکوب راهوار آن، شب زنده‌داری است، برای کسی که مشتاق لقای حق است بهترین وسیله، شب زنده‌داری است. همین بیان را به شکل دیگری امام صادق^(ع) از امیرالمؤمنین (سلام‌الله علیه) نقل فرموده که: «نَبَّهْ بِالتَّفْکَرِ قَلْبَ، وَجَافِ عَنِ النُّوْمِ جَنبِکَ، وَاتَّقِ اللّٰهَ رَبَّکَ»^{۶۵} با تفکر دلت را بیدار و آگاه کن و شب هنگام برای نماز شب برخیز و از خدای خویش بهراس. تفکر، دل را بیدار می‌کند چون گاهی خواب بر دل عارض می‌شود و انسان چیزی را درک نمی‌کند. علی^(ع) می‌فرماید: به خدا پناه می‌بریم از این که عقل بیارمد «نَعُوذُ بِاللّٰهِ مِنْ سَبَاتِ الْعَقْلِ»^{۶۶}.

۶۳ . امالی شیخ مفید، ص ۲۰۹، مجلس ۲۳، ح ۱۶

۶۴ . بحار، ج ۷۵، ص ۳۷۹

۶۵ . امالی شیخ مفید، ص ۲۲۹، مجلس ۲۳، ح ۴۲

۶۶ . نهج البلاغه، خطبه ۲۲۴

توصیه انبیاء به نماز

امام ششم^(س) درباره عظمت نماز فرمودند: شما سخن انبیا را رد قرآن می شنوید، بنده صالح خدا، عیسی مسیح^(س) می گوید: خدا مرا به نماز توصیه کرد:

امام صادق^(ع) این سخن را در جواب معاویه بن وهب که از وی درباره بهترین وسیله تقرب و محبوبیت بندگان به پروردگار پرسیده بود فرمود: «ما اعلم شیئاً بعد المعرفة افضل من هذه الصلاة! الا ترى انّ العبد الصالح عیسی بن مریم علیه السلام قال: واصانی بالصّلوه»^{۶۷} بهترین وسیله تقرب به پروردگار پس از معرفت خدا چیزی بالاتر از نماز نیست - معرفت جزء اصول اعتقادات است. و براساس آن تقرب به وسیله نماز ممکن است - آیا ندیدی عیسی بن مریم را که می فرماید: خداوند مرا به نماز توصیه کرده است.

نماز ظهر و رحمت واسعه الهی

هریک از نمازها مزیتی دارند. در بین نمازها، نماز ظهر خصوصیتی ویژه دارد.

قرآن می فرماید: «حافظوا علی الصلوات والصلوه الوسطی»^{۶۸} روایات، صلوات وسطی را به نماز ظهر تفسیر کرده اند، که اولین نماز رسول الله بود.^{۶۹}

فرموده اند: وقتی آفتاب از دایره نصف النهار زایل شد و ظهر فرارسید، نگذارید نماز ظهر شما به تأخیر افتد. چون هنگام زوال ظهر، درهای رحمت باز است. از خدای سبحان رحمت را مسئلت کنید. در این وقت هرگز تنها به فکر خود یا پدر و مادر یا دوستان خود نباشید. بلکه همه را دعا کنید.

۶۷ . کافی، ج ۱، ص ۵۷

۶۸ . سوره بقره، آیه ۸۳۲

۶۹ . وسائل الشیعه، ج ۴، ص ۱۱ و ۲۲

از رسول خدا^(ص) نقل شده است: «اذا زالت الشمس فتحت ابواب السماء و ابواب الجنان واستجيب الدعاء فطوبى لمن رفع له عند ذلك عمل صالح»^{۷۰} هنگام ظهر درهای رحمت باز است، درهای بهشت باز است و دعاها هم مستجاب می‌شود. خوشا به حال کسی که هنگام زوال، عمل صالحی از او به آسمان معنا رفعت یابد.

یکی از احکام جنگ در اسلام این است که مستحب است جنگ از ظهر به بعد شروع شود و قبل از ظهر مکروه است^{۷۱}، مگر اینکه دشمن حمله کند، در این صورت در تمام اوقات انسان می‌تواند حمله او را پاسخ دهد. حتی اگر حمله دشمن در ماههای حرام (ذی قعدة، ذی حجه، محرم، رجب) باشد، دفاع واجب است.

جنگ کردن قبل از ظهر مکروه است؛ اما از ظهر به بعد مستحب است؛ راز این نکته را در کتب فقهی ما، که از روایات استفاده کرده‌اند، چنین بیان می‌کنند، که چون درهای رحمت هنگام ظهر باز است، شاید خدای سبحان قلب کفار و منافقان را هدایت کند که به اسلام گرایش پیدا کنند و خونی ریخته نشود.^{۷۲} چنانکه در روز عاشورا مبارزه و جنگ سیدالشهداء^(ع) از ظهر به بعد بوده و قبل از ظهر چند مرتبه آن حضرت به ارشاد و تبلیغ لشگر دشمن پرداخت.

۷۰. من لا یحضر، ج ۱، ص ۲۰۹، ح ۶۳۳
۷۱. وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۶۳؛ سنن بیهقی، ج ۹، ص ۸۰
۷۲. جواهر الکلام، ج ۲۱، ص ۸۱

دوستی با باطن نماز

سیدالشهداء^(س) هنگام عصر تاسوعا، به حضرت ابوالفضل^(ع) فرمود: به این قوم بگو، امشب را که شب عاشورا است به من مهلت بدهند، برای اینکه خدای سبحان می‌داند «**انّی احبّ الصلاه**»^{۷۳} من نماز برای خدا را دوست دارم. نماز محبوب من است، نه اینکه من نمازخوان هستم. (این اعمال صوری و ظاهری را که همه دارند. آداب نماز هم که میسور خیلی‌هاست) یعنی، آن باطن و حقیقت نماز محبوب من است. من نماز را دوست دارم و می‌خواهم از دوستم دارم و می‌خواهم از دوستم وداع کنم.

روزی در مکان مجاور حضرت سجاد^(ع) که نماز می‌خواند آتش سوزی اتفاق افتاد، سر و صدا شد و آن را خاموش کردند. پس از نماز به عرض حضرت رساندند که اینجا آتش گرفته بود و این همه سرو صدا بود؛ شما متوجه نبودید؟

فرمود: خیر - عرض کردند: چطور؟

فرمود: من آتش دیگری را خاموش می‌کردم. آتش آن عالم را خاموش می‌کردم.^{۷۴} مگر آتش آن عالم را انسان می‌بیند؟ بلی، می‌بیند.

قرآن کریم فرمود: اگر علم‌الیقین داشته باشید آتش قیامت را می‌بینید «**کلا لو تعلمون علم الیقین * لترونها عین الیقین * ثم لتسئلنّ یومئذ عن النعیم**»^{۷۵} معلوم می‌شود باطن گناه آتش و باطن ثواب بهشت است.

باطن نماز و روزه بهشت است. فرمود: اگر شما اهل راه باشید، هم‌اکنون جهنم را می‌بینید.

پایان
جلسه دوم

۷۳. مقتل الحسین مقرر، ص ۲۳۲
۷۴. «التهنی عنها النار الکبری» (بحار، ج ۴۶، ص ۷۸)
۷۵. سوره تکوین، آیات ۵-۸